یادداشت

تجربه تاریخی ۳۰ تیر و شرایط امروز

ضیا مصباح

حرکات ابدایی و مخالف‌های سازمان‌یافته افراد شاخته‌شده و گروه‌های متشکل سیاسی که از نفوذ و تریبون‌هایی با نبان طوی مادی و بیوان مضاعف برخوردارند، در ارتباط با رخدادهای مختلف ماه‌های اخیر - از تصویب برجام تا انتخابات مجلس، انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراها، قرارداد با شرکت نفتی توتال که با خواست اکثریت ایرانیان و ضرورت‌های زمان و مکان قرین بوده، لزوم توجه به تاریخ را جدی‌تر می‌کند. منافع ملی و توسعه کشور، ایجاد اشتغال، پیشرفت ارزش‌ها، ارتباطات بین‌المللی، بازگشت منزلت ایران و ایرانی به جایگاه خود و اعتبار منطقه‌ای با تعاریف جهانی، دستاوردهایی است که برنامه‌ریزی برای تصفیه شخص رئیس‌جمهور با نبات شاخته‌شده و همه مقاومت‌ها و کارشکنی‌ها از نیازمند مداقه جدی‌تر می‌کند.

در آستانه ۳۰ تیر قرار داریم. عملکرد مجلس نشینان دوران نخست‌وزیری شادروان دکتر محمد مصدق را به یاد بیاوریم که به رخداد تاریخی ۳۰ تیر منجر شد. تکرار تاریخ اگر در آن حد و اندازه هم نباشد، ولی از باب مرور تاریخ معاصر می‌تواند ضروری و عبرت‌آموز باشد. حوادث و مسائل سیاسی ایران بعد از شهریور ۱۳۲۰ همچون نهضت ملی‌شدن صنعت نفت، حکومت ملی شادروان دکتر محمد مصدق، وقایع ۳۰ تیر و ۲۸ مرداد و دیگر رخدادهای آن زمان، بدون انکار، نقش برجسته‌ای در سرنوشت ایران و ایرانیان بر جای گذاشته است. از پیامدهای مهم این رخدادهای تاریخی... انتشار کتاب‌ها، مقالات، اطلاعات و اسناد و مدارکی است که با کوشش خستگی‌ناپذیر و قابل تقدیس صاحب‌نظران و آگاهان سیاسی به منظور آگاهی جامعه و به‌ویژه نسل جوان ضبط شده و در تاریخ در دسترس همگان قرار گرفته است. سال‌های ۳۲ - ۱۳۳۰ یک دوره مشخص و بسیار مهم در تاریخ معاصر ایران است، هرچند به‌هم‌ریختگی و تا حدودی عوام‌گرایی در همه شئون سیاسی و اجتماعی آن دوران نیز به چشم می‌خورد. در مقوله چگونگی و آثار تحولات تاریخ معاصر در رابطه با ماجراهای دولت ملی باید گفت:

نابسامانی‌های اقتصادی و به‌ویژه اشغال کشور به وسیله ارتش‌های بیگانه و پیامدهای ناگوار آن همه امور کشور را تحت‌تأثیر خود قرار داده بود، ولی در بستر این حرکات نامنظم و آشفتگی‌ها یک جریان جالب توجه اجتماعی و تاریخی به‌تدریج در مسیر اصلی خود پدیدار شد و برای نخستین‌بار در تاریخ ایران یک الگوی عملی و واقعی از روش دموکراسی را در قالب دولت ماندگار دکتر مصدق ارائه داد. باید اذعان کرد که پدیدایش این جریانات اصیل اجتماعی و تاریخی بسر از کدار از استبداد رضاشاهی، درواقع تجدید حیات مشروطیت ایران به شمار می‌رود. هرچه‌مرج و به‌هم‌ریختگی امور کشور بعد از شهریور ۱۳۲۰ و اختلافات اجتماعی در آن سال‌ها علاوه بر عوامل دیگر، بی‌شک یک واکنش طبیعی دوران احتناق ۳۰ ساله و از پیامدهای حکومت بیش از آن به شمار می‌رود. دکتر مصدق در سال‌های ۳۲ - ۱۳۳۰ در نخستین دوره تصدی نخست‌وزیری به حق نقش مهمی در تاریخ معاصر ایران ایفا کرد. دکتر مصدق با ریاست بر ارتش در اندیشه تغییر رژیم است و زمینه برنامه‌ریزی برای سقوط دولت او فراهم می‌شد. خط مشی کلی و اقدامات اساسی دکتر مصدق و سایر رهبران نهضت ملی، ازجمله روش آنها در برخورد با سیاست‌های خارجی، اداره کشور و تدابیر آنها در مواجهه با رویدادها، براساس تجزیه و تحلیل تاریخی و ارزیابی منطقی شرایط روز و نیز تمامی امکاناتی که در جهت مختلف در اختیار دولت ملی قرار داشت، استوار بود. باداوری این نکته مناسب است.

ادامه در صفحه ۱۱

نفیسه زارع‌کهن

انتخابات ۲۹ اردیبهشت ۹۶ با همه حواشی گم‌نظیر آن به اتمام رسید اما مباحث پیرامون آن همچنان باقی است. چهره عجیب این انتخابات - مجدداً قالیباف بود که سومین حضورش در انتخابات هم به ناکامی انجامید. حسین فرنیانژاد، سردبیر روزنامه همشهری و دبیرکل جمعیت پیشرفت و عدالت - حزب محمدباقر قالیباف-، از نزدیک‌ترین چهره‌ها به شهردار تهران است. وی در گفت‌وگو با «شرق»، نکاتی را درباره روزهای انتخابات و شرایطی که منجر به کناره‌گیری قالیباف شد، بیان کرد.

■ تحلیل شما از نتیجه انتخابات و آرایی که به دست آمد، چیست؟

قبل از هر چیزی باید بگویم مهم‌ترین نمره انتخابات برای کشور ما این است که مردم در سرنوشت خودشان مشارکت می‌کنند و این برای کشور ما افتخار بزرگی است که صرف‌نظر از هر نتیجه‌ای و صرف‌نظر از انتخاب هر شخصی، مردم ضمن اعتماد به نظام پای صندوق می‌آیند و حق خودشان را اعمال کنند. این مشارکت به صورت میانگین بالای ۶۰درصدی هم که کوه همین مسئله است و این درحالی است که در بسیاری از کشورهایی که مدعی دموکراسی هستند، این عدد بسیار بایین‌تر است.

اما درباره نتیجه انتخابات خب بالاخره معمولا در کشور ما دولت مستقر تکرار می‌شود و سوابق هم همین را نشان داده است. آقای دکتر روحانی هم به‌عنوان رئیس‌جمهور مستقر این چرخه را تکرار کردند و با وجود آن چیزی که در تظرسنجی‌ها و حدود ماه‌های بهمن و اسفند ارائه شد. موفق شدند. براساس آنها ایشان نسبت به رؤسای‌جمهور مستقر دوره‌های پیشین در همین زمان یعنی حدود سه تا چهار ماه مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری، اقبال عمومی کمتری داشتند ولی طبیعتا رقابت سنگینی که در هفته‌های آخر و به‌ویژه هفته آخر آنفاق افتاد این نتیجه را رقم زد.

■ از رقابت سنگین می‌گویید. الان اگر بخواهید تحلیلی از رقابا رمردم داشته باشید، به نظر شما چه اتفاقی رخ داد؟ چه چیز باعث شد حتی افرادی که خیلی وقت بود رای نداده بودند باز صندوق‌های رای آمدند؟

جامعه ما دو ویژگی هیجانی‌بودن و تا حدی ناراضی‌بودن را داراست و این موضوع را اساتید جامعه‌شناسی هم مطرح می‌کنند. بنابراین هر جقدر این فضای دوقطبی و این فضای جالشی بین رقبا بیشتر شود طبیعتا نتیجه بالافصل آن، حضور بیشتر مردم و مشارکت آنهاست.

اما آن چیزی که در کشور ما اتفاق می‌افتد متاسفانه به‌ویژه در هفته‌های منتهی به انتخابات، این است که زمین بازی انتخابات از حوزه شاخص‌ها و ویژگی‌های رئیس کلی دوره آنها به منازعه‌ای منتقل می‌شود که دیگر سطح دعوایش لزوما در محدوده قوه مجریه قرار نمی‌گیرد. ما وقتی به دو هفته باقی‌مانده انتخابات و به‌ویژه هفته آخر نگاه می‌کنیم و سخنرانی آقایان روحانی و رئیسی را در شهرهای مختلف تجزیه و تحلیل می‌کنیم به‌ویژه سخنان جناب آقای دکتر روحانی در مشهد و ارومیه و... لزوما مرتبط با مطالبه اصل موضوع نیست.

■ اتفاقا در این مورد که مطرح کردید مطالعات و نظرسنجی‌ها نشان داده که بحث آزادی بیان مطالبه بخشی از جامعه است. آیا بیان این موضوع از طرف یک کاندیدا از نظر شما ابراد دارد؟

ایرادی که نداره. آقای دکتر روحانی این حق را دارد که در فضای تبلیغات انتخاباتی به‌عنوان نامزد انتخاباتی هر سوژه و موضوعی که مایل است را مطرح کند. من از فضای تبلیغات انتخاباتی نمی‌آیم و صرف‌نظر از انتخابات، چالش‌های کشور را مطرح می‌کنم؛ این کشور الان به یک چالش‌هایی مواجه است و قاعدتا اگر قرار باشد کاری برای این چالش‌ها صورت بگیرد کدام موضوعات در صدر اولویت‌ها هستند. به استناد نظرسنجی‌هایی که در طول سال گذشته انجام گرفته است. فضل مستثرک همه نظرسنجی‌هایی که ایران ایسپا، دانشگاه تهران، سیوت، وزارت، سپاه و جز هایی دیگری که شما بیننده اطلاع دادداند در طول سال گذشته این بوده که مطالبه اول مردم ایجاد شغل و دغدغه بی‌کاری است.

حدود ۱۲ میلیون نفر فارغ‌التحصیل داریم که بیش از پنج میلیون و ۸۰۰ هزار نفر آنها از علم‌شان تا پایان عمر هیچ بهره‌ای نمی‌برند و اساسا جوای کار نیستند. بنابراین من قربانزاده اگر بخواهم کاری را از این کشور به‌عنوان اولویت در نظر بگیرم حتما موضوع اشتغال و دیگر موضوعات اقتصادی مرتبط است؛ فرقه‌هایی که در این کشور استفاده شده سیاسی پر آن‌ر بود. ناگفته نماند نخست‌وزیر در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ که نخستین هیئت دولت خود را تشکیل داد، در مورد اشتغال وزرا شرایط سیاسی و اجتماعی روز را در نظر گرفت و به انتخاب وزیر کجا از طرف شاه نی داد. هدف مصدق در آن زمان مخصوصا اجرای قانون ملی‌شدن صنعت نفت بود و از دسترس به هر اقدامی که به این دستاورد مهم آسیبی برساند خودداری می‌کرد.

وی با اتکا به افکار عمومی و بی‌آنکه هیچ قدرت سازمانی در پشت‌سر او باشد با به‌هم‌زدن‌ی از شرایط سیاسی بین‌المللی که بر اثر انتشار ابقدرت‌ها و کشورهای بزرگ به وجود آمده بود، در برابر حرب و شکنقی ناظران و آگاهان سیاسی مقام نخست‌وزیری را پذیرفت و به مقابله با یکی از قدرتمندترین کشورهای صنعتی جهان رفت. او به وسیع نیروهای حاکم و موقعیت شکننده خود آگاهی داشت و مراقب بود که در تشکیل هیئت دولت جهد جدیدی در برابر او کشوده نشود و در اقدامات اولیه خود کاملا موفق بود. تا زمان مناسب که موضوع ۳۰ تیر و اقدامات لوافه‌السلطنه و مسئله امام مسئولیت نیروهای مسلح با نخست‌وزیر را مطرح کرد. می‌توان گفت میرمن حرکت به خاه تلقین صدق دکتر مصدق با ریاست بر ارتش در اندیشه تغییر رژیم است و زمینه برنامه‌ریزی برای سقوط دولت او فراهم می‌شد. خط مشی کلی و اقدامات اساسی دکتر مصدق و سایر رهبران نهضت ملی، ازجمله روش آنها در برخورد با سیاست‌های خارجی، اداره کشور و تدابیر آنها در مواجهه با رویدادها، براساس تجزیه و تحلیل تاریخی و ارزیابی منطقی شرایط روز و نیز تمامی امکاناتی که در جهت مختلف در اختیار دولت ملی قرار داشت، استوار بود.

ادامه در صفحه ۱۱

عکس: نسیم افتخاری

گفت‌وگو با دبیرکل جمعیت پیشرفت و عدالت و مشاور قالیباف

قالیباف احمدی‌نژادِ انتخابات ۹۶ نبود

بخش عمده آرای آقای قالیباف به سبد روحانی می‌رفت اما رئیسی می‌خواست بماند

و... مطرح شد. با وجود اینکه بسیاری این وعده‌ها را قضایی می‌دانستند بخش عمده آنها به صورت عینی در قانون برنامه ششم توسعه به صورت کلی هدف‌گذاری شده بود. به‌عنوان نمونه در مورد پنج میلیون شغل؛ شما می‌دانید که الان نرخ بی‌کاری ۱۲.۷ است تکلیف برنامه ششم توسعه است که نرخ بی‌کاری در پایان ۱۴۰۱ به ۸.۶ برسد. کسی که در رقابت انتخاباتی می‌خواهد وعده‌ای بدهد باید چهار سال تا پایان ۱۴۰۰ را در نظر بگیرد پس یعنی باید نرخ بی‌کاری حدودا به ۹.۲ درصد برسد. این به غیر از یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار نفر فارغ‌التحصیل بی‌کاری هستند که هر سال اضافه می‌شود. یعنی سه‌میلیون و ۵۰۰ بی‌کار فعلی به‌علاوه سه‌میلیون‌وخرده‌ای یعنی نزدیک هفت‌میلیون نفر باید برایشان کار ایجاد شود درحالی که تعهد آقای قالیباف پنج میلیون شغل بود یعنی حتی باایین‌تر از عددی که قانون برنامه ششم توسعه در نظر گرفته است. خود آقای روحانی هم اعلام کرده که ۹۵۰ هزار شغل ایجاد خواهیم کرد.

در مورد چهار سال گذشته هم چهار میلیون شغل بود که آن حرف‌وحدیث‌ها درباره مشروط‌بودنش در مناظرات مطرح شد.

■ منظورتان بحث کردنگری است؟ اما وافعا آقای روحانی آن‌طور مطرح نکرده بودند. فیلم کامل را ببینید.

من هم آن فیلم را کامل دیده‌ام و ایشان می‌گویند با کردنگری شغل ایجاد می‌کنیم. به‌هرحال بیینید دولت فعلی هم معتقد است چیزی حدود یک میلیون شغل باید ایجاد کند که البته ما معتقدیم خیلی کم است ولی پس فضایی توصیف‌کردن سالانه یک میلیون شغل کاملا ناجوانمردانه بود. درحالی‌که هم قانون حد آن را مشخص کرده و هم دولت فعلی و مستقر آن را تقریبا قبول دارد، یا درباره یارانه هم به‌همین‌ترتیب؛ در همه دنیا در کشورها برای افراد ازکارافتاده مستمری ماهانه‌ای را در نظر می‌گیرند و اسم این کار را پول‌پایی یا کدابوری نمی‌گذارند؛ چون معتقدند دولت و کشور باید برای افرادی که رابطه‌شان با اقتصاد به دلیل ازکارافتادگی و فقری که دارند، قطع است باید آن عده حتما تأمین معاش شوند. این عده در کشور ما با دیل کمیته امداد هستند یا ذیل سازمان بهزیستی هستند یا بیشت نوبتی این دو تا مرکز هستند یا افرادی که اساسا به اینها معرفی نشده‌اند؛ چیزی حدود شش میلیون نفرند. در تحریریه همشهری طرحی را با حدود ۳۰ ماده پیشنهاد دادیم و پیگیری کردیم و برای اولین‌بار در تاریخ مجلس با ۲۸۱ امضا دوفوریت آن تصویب شد و بعد به پایان مجلس قبلی (مجلس نهم) رسیده بود و ابتدای مجلس دهم در بررسی‌اه‌ای که ۳۰ ماه طول کشید قرار گرفت و در این ۳۰ ماه ما بالغ بر ۲۰ تیتر یک در مورد این موضوع زدیم، یعنی طرح شش میلیون نفر که به اینها رسیدگی شود. نهایتا هم در کمیسیون تلفیق در پایان سال گذشته در ماده ۹۴ کمیسیون تلفیق تصویب شد و برای اولین‌بار در قانون بودجه و تبصره ۱۳ آن آمد و به‌عنوان تکلیف عینی برای دولت در نظر گرفته شد. هرچند سا تغییری که دادند این را از شش میلیون نفر کمتر و مبلغش را هم کمتر کردند و ولی عملا معادل سه برابر یارانه می‌شد. تا قبل از تصویب این طرح آقای نوبخت اعلام مخالفت می‌کرد و می‌گفت ما نقدینگی و اعتبار برای این موضوع نداریم. اما در اولین ماه بعد از تصویب که می‌شد فروردین‌ماه، این پول به حساب این افراد واریز شد.

یا مثلا بیامکی برای چهار میلیون نفر که یارانه‌شان قطع شده ارسال شد که یارانه شما واریز خواهد شد.

یا در موضوع کارانه. شما دیدید که سایت کار ۱۳۹۶ راه افتاده بود که وزارت کشور اعلام کرد غیرقانونی است و این فیلتر شد اما شبیه همین سایت کاج تحت عنوان کاروزری دولت ایجاد کرد اگرچه نفس‌هایی دارد نسبت به آن طرحی که ما مطرح کردیم ولی آن هم دارد اجرا می‌شود.

■ هر یارانه‌ای در مناظرات از آقای قالیباف درباره اجرائی‌شدن پنج میلیون شغل پرسیده شد. فقط به بیان انتقاد از دولت و بیان کلیات اکتفا کرد. این شیوه عمل شما در انتخابات، با پاسخ مطالب شما درباره ویژگی‌های نامزد رئیس‌جمهوری در تناقض نیست.

شما اگر همین الان بتوانید در کوکل سرچ کنید در سرچتان چند مصاحبه بیدا می‌کنید؛ مصاحبه با مهر، مصاحبه با باشگاه خبرنگاران جوان و مصاحبه با یکی دیگر رسانه دیگر که به‌تفصیل موضوعات اقتصادی درباره چگونگی ایجاد پنج میلیون شغل مطرح شده است. جزا الان شما معتقدید مطرح نشده. چون طبیعتا وقتی سیل پیام‌های انتخاباتی می‌آید بیام‌های ایجابی کمه در مناظره‌ها هم البته اول آقای قالیباف بحث حقوق‌های نجومی و... را مطرح کردند.

حتی در همان نامه پراشکال اولیه سازمان بازرسی هم این ادعا درباره مدیران مطرح نشده بود. درحالی‌که آقای جهانگیری در مناظره گفته دوهزار و ۵۰۰ میلیارد تومان اعلام نجومی به مدیران واگذار شده است. این دوهزار و ۵۰۰ میلیارد تومان کذب محض است. موضوع املاک پسوژه‌ای در شهرداری تهران که حقوق‌های نجومی مطرح شد و بزرگ‌ترین افتخار شهرداری در حوزه رسیدگی به تسهیلات رفاهی کارکنان یعنی کمک قانونی به تعاونی‌های مسکن که بیش از ۲۷ هزار نفر از پرسنل را شامل می‌شد با توسل به یک نامه مغشوش سازمان بازرسی که خود رئیس سازمان بازرسی و دادستان کل کشور و دادستان تهران آن را رد کردند، به یک سوژه منفی علیه قالیباف تبدیل کردند و بعدها سرنخ این سوژه‌سازی هم کشف شد. هیچ اقدام غیرقانونی و جرمی در این زمینه ارتکاب نیافته و ارائه تسهیلات منطبق بر قوانین مصوب مجلس و شورای شهر به همه کارکنان بوده است.

■ اسامی مدیران منتشر شد.

لیستی که در سایت‌ها منتشر شد برگرفته از همان نامه مغشوش و محرمانه بود که بعدها رد شد چون اصلا موارد‌ی از اسامی کذب بود موارد‌ی هم در میزان و... اشتباهاتی داشت اما در نهایت برخی مدیران هم مثل بقیه و شهروندان از هر دوره کاری از این تسهیلات بهره‌مند شدند. اما رقم بسیار ناچیزی نسبت به رقم ادعایی بود.

■ خیلی هم مبلغ بالایی است. من چند نفر از این مدیران را می‌شناسم که منازلشان در بالای سی‌هزار تومان و مبالغ زیادی هم قیمت دارد و گاه چندمبلیارد است. پس دوهزار و ۵۰۰ میلیارد خیلی بیراه به نظر نمی‌رسد. بحث من این است این نحو از داده شده و به چه نحو داده شده. بحث من این است این نحو مسیری که آقای قالیباف و تیم تبلیغاتی‌شان انتخاب کردند، اشتباه بود.

دروغ را از قدر بزرگ گفتند تا همه باور کنند. هنوز بعد از گذشت حدود ۱۰ ماه یک مورد هم اثبات نشده است درحالی‌که موارد حقوق نجومی ثابت شده بود و افراد اذعان کردند که این حقوق ماهانه از کجا آمده است. اما درباره بخش دوم سؤال شما بیینید وقتی به شما اتهام بزنند که مثلا قبل از اینکه بیایید اینجا ۵۰۰ هزار تومان خرج دفترتان کردید، بعد شما می‌خواهید توضیح بدهید و درعین‌حال خرج قطعی داشته باشید که مثلا کشید قرار گرفت و در این ۳۰ ماه ما بالغ بر ۲۰ تیتر یک در مورد این موضوع زدیم، یعنی طرح شش میلیون نفر که به اینها رسیدگی شود. نهایتا هم در کمیسیون تلفیق در پایان سال گذشته در ماده ۹۴ کمیسیون تلفیق تصویب شد و برای اولین‌بار در قانون بودجه و تبصره ۱۳ آن آمد و به‌عنوان تکلیف عینی برای دولت در نظر گرفته شد. هرچند سا تغییری که دادند این را از شش میلیون نفر کمتر و مبلغش را هم کمتر کردند و ولی عملا معادل سه برابر یارانه می‌شد. تا قبل از تصویب این طرح آقای نوبخت اعلام مخالفت می‌کرد و می‌گفت ما نقدینگی و اعتبار برای این موضوع نداریم. اما در اولین ماه بعد از تصویب که می‌شد فروردین‌ماه، این پول به حساب این افراد واریز شد.

■ کانال هواداران‌شان که بیشتر کار.

خب کانال هواداران چه ربطی به ایشان دارد.

■ این طور نگویید. خب کاملا مشخص است که حقوق کار از جیبتان داده می‌شود.

آقای قالیباف چه زمانی موضوع سند خانه آقای روحانی و آقای جهانگیری را مطرح کردند؟ بعد از مطرح‌شدن اتهام املاک آقای روحانی از سوی آقای جهانگیری.

■ آن قضیه را که قوه قضائیه و سازمان بازرسی بیش از اینها مطرح کرده بودند و ربطی به دولت نداشت که البته بیرو املاک نجومی بحث حقوق‌های نجومی را هم مطرح کردند

■ بحث ناجوانمردانه‌ای را مطرح کردید؛ ما دیدیم آقای قالیباف در هر سه مناظره به قالیباف دیگری تبدیل شد که بیشتر بدآور انتقادی بود و در هر مناظره بیشتر به رئیس دولت‌های نهم و دهم شبیه شد. ما در سال ۸۴ با یک آقای قالیباف اتوکشیده کت‌وشلواری‌پوش و برندپوش روبه‌رو بودیم؛ سال ۹۲ یک آقای قالیباف نسبتا معمولی‌تر و در سال ۹۶ یک آقای قالیباف با لباس محمود احمدی‌نژاد.

این بحث‌ها بیشتر کرازه‌هایی هست که در فضای مجازی به آنها دامن زده شد و تکراش باعث شد که در ذهن جا بیفتد. من خودم در این مجموعه بودم و کاملا صادقانه و عینی مطرح می‌کنم. در فضا و خلا بحث نمی‌کنم. آقای جهانگیری وقتی که در مناظره اول می‌آید، شهرداری را می‌گوید. کوچه شش‌متری را می‌گوید، بستی طلا را می‌گوید. وقتی کسی می‌آید و پنشت‌ر سم ۱۱ عنوان اتهامی می‌گوید. دیگر اصلا فضایی نمی‌ماند که شما بخواهید بحث‌های ایجابی و برنامه‌ای را مطرح کنید. در ۲۵ دقیقه که در کل مناظره فرصت هست هم باید به این اتهامات جواب بدهید و هم به سؤالات بسیار بدعهد و بحث‌های نسبت مطرح کنید. طبیعتا در این فرصت محدود امکان‌پذیر نیست.

بالاخره شبهات زیادی را مطرح کردند. وقتی که آقای قالیباف به‌عنوان آخرین نفر پشت تریبون رفت مجبور شد به این شبهات محکم پاسخ بدهد. اما نکته‌ای که باید بگویم این است بحثی از برداشتی که از این سه مناظره شد که آن چیزی که بازنمایی مناظرات است. برمی‌گردد چون بازنمایی مناظره از خود مناظره مهم‌تر است. در بازنمایی مناظره‌ها تیتر تبلیغاتی و عملیات روانی آقای روحانی به کمک لشکر فضای مجازی در داخل و خارج خیلی خوب عمل کرد.

■ شما فکر نمی‌کنید که آقای قالیباف اگر در مناظره‌ها خوش می‌بود بهتر نبود. مثلا وقتی می‌آیند سعی می‌کنند با رئیس‌جمهور مطرح کنند. خب رقیب آقای قالیباف اساسا هم که مرد سابق است آموزش را اعلام کند. یا دروود املاک افراد. بقیه افراد می‌گویند و عکس خانه بقیه را منتشر می‌کنند. البته ما می‌دانیم ایشان هم مثلی دارند که خوب است و بالای صد نفر است و... یا اینکه مثلا بگویند در مناظره‌ها خوش‌رفتار باشید و خوب بهتر بود در بشقاب خودش. خودش را مطرح می‌کرد تا اینکه به رئیس‌جمهور آقای قالیباف بپردازد؟

چرا فکر می‌کنید این کسی نبود که مطرح می‌کرد. همین الان شما دارید می‌گویید منزل ایشان در بالای شهر است درحالی‌که منزل ایشان در منطقه چهار است. آقای قالیباف واقعا همان بود اما من به شما حق می‌دهم که بعد از گذشت ۳۸ سال از انقلاب به دلیل اینکه بسیاری از مسئولان حد خود را نگه نداشتند و دروغ هم می‌گویی، خودت این کار را کردی؟! واقعا شما حق آقای قالیباف بدبود چه‌کار می‌کردید؟

در مناظره ادعاهای بسیاری مطرح شد. خب شما به‌عنوان خبرنگار بیاید همه موارد را یک‌یکی بررسی و راستی‌آزمایی کنید. ما فقط باید صحت این گفتار و ادعاها را بسنجیم و ببینیم دروغ می‌گوید یا راست. هر کدام از اینها را که بخواهید من برای شما ثابت می‌کنم این بخشی که ما معتقدیم دروغ است چرا دروغ است و برعکس اگر مواردی مطرح شده چه استنادی دارد. اگر گفتیم آقای جهانگیری ۱۴۵ هزار تومان در میدان ونک گرفته سندش را هم نشان می‌دهیم و این چیزی نیست که ما بگوییم تهمتی زده‌ایم. خوب ما این است که اعلام این جرم هم نیست. بلکه این چیزی است که وجود داشته و قراردادش هم موجود است. اما شما که می‌گویید بستی طلا. املاک نجومی و... این را بیایید از قوه قضائیه و دادستان و سازمان بازرسی و... بپرسید که کدامش صحت دارد؟ یکی از اتهام‌ها به سبک خاص بعنوان پرونده ثابت شده است؟

■ تا آنجا که من خوانده‌ام و یک بار خود آقای قالیباف قبل از انتخابات اعلام کردند گفتند یک‌سری از این املاک را پس گرفته‌ایم و یک‌سری را قرار شده به صورت قسط بندی برداریم.

ببینید اینها موارد هست که مطابق قانون ستاد تسهیلات مسکن اجازه داشته است که با شرایطی به کارکنان ارائه کند. یعنی مصوبه شورای شهر و قانون مجلس این اجازه را می‌داده که.

■ که بخشد به مدیران شهرداری آن هم با قیمت بسیار پایین؟

نه اصلا بحثشی در کار نیست. ببینید یک چیزی در ذهن شما افتاده است. بخشش. تسهیلات مسکن؛ هرکسی که کارمند دولت است یا کارمند شهرداری یا نهاد عمومی غیردولتی تا آخر عمر می‌تواند از یک بر مسکن استفاده کند. یعنی یا عضو تعاونی‌ها شود یا به شکلی که بگویم این کار من مسکن را خریده‌ام. یعنی به او یک حق مسکنی اعطا شود. کارمند دولت این‌طور است. نهادهایی مثل نهادهای نظامی خانه‌های سازمانی دارند که بعد واگذار می‌شود. وزارتخانه‌ها هم این بین مسکن را دارند و تعاونی. تعاونی را هم افراد ایجاد می‌کنند و می‌روند تسهیلات می‌گیرند. این تسهیلات را چه کسی مشخص می‌کند؟ شورای شهر و مجلس براساس قوانینی که وجود دارد در این موضوع از کارگر به‌سمانه کهریزک آن رفتگری که آقای قالیباف کمک کند بلافاصله آن کمیته قرمز سقف حاکمیت را می‌زند چون مردم هم همه اینها را باهم در یک فضای یک‌کاسه‌ای می‌بینند.

■ مثلا در سال ۹۲ که آقای روحانی رئیس‌جمهور شد و ما مطرح کردند تمام اقبال آقای قالیباف در نظرسنجی دانشگاه تهران بالاتر بود و اگر هر کدام از این افراد را در نظر می‌گرفتیم که کنار بروند سبد رایشان چگونه تاثیر می‌گذارد، بالای ۵۰ تا ۵۵ درصد آرای دکتر قالیباف با کنارفتن رئیسی ۶۰ درصد از آرای دکتر قالیباف با کنارفتن روحانی، بالای ۹۰ درصد آرای آقای رئیسی با کنارفتن می‌آمد در سبد آقای قالیباف یعنی یعنی براساس محاسبات دو تا چهار تا حتما کاملا قالیباف می‌ماند و آقای رئیسی کنار می‌رفت و اگر دونفری می‌ماندند به دلیل آنکه آسیبر تندشدن فضای سیاسی و منازعه‌ای که آقای روحانی از هفته آخر شروع کرده بود می‌شدند، به سمتی پیش می‌رفت که عملا باز هم نتیجه آنفاق می‌افتاد اما ممکن بود با چهار، پنج درصد رای کمتر آقای روحانی آب مرزی رای بیاورد.

من دو هفته قبل از انتخابات توییت کردم که اگر آقای قالیباف کنار برود آقای روحانی دور اول رئیس‌جمهور است که انتفاد کردند دوستان که چرا پیش‌بینی کردی و چه دو ساعت پیش‌بینی کردی؟ من براساس نظرسنجی‌ها می‌گفتم و همین اتفاق هم افتاد که اگر آقای قالیباف کنار برود آقای روحانی به‌راحتی دور اول رئیس‌جمهور می‌شود. اگر آقای قالیباف بماند آقای روحانی به‌سختی رئیس‌جمهور است و اگر آقای رئیسی کنار برود حداقل انتخابات به دور دوم کشیده می‌شود. این پیش‌بینی با براساس نظرسنجی‌هایی بود که اتفاق می‌افتاد.

■ در بحث‌ها و مشورت‌های که داشتیم معتقد بودیم که آقای رئیسی کنار بروند بنابر امتحن محضوصا که اگر آن شوک هم بیاید حتما نتیجه‌اش بهتری دارد. اما به هر دلیلی آقای رئیسی تصمیم گرفت کنار نرود. خب طبیعتا یک بخش اقبالی بود که ایشان رئیسی شاید خیلی موفق‌تر بود و شاید جریان اصولگرایی خیلی موفق‌تر چهره می‌رفت. به نظر شما به‌عنوان مشاور آقای قالیباف این استراتژی تبلیغاتی درست بود یا وجود اینکه همه صاحب‌نظران معتقد بودند نمایشی از آقای احمدی‌نژاد برای طبقه فرودست جامعه بود تا بتواند رای آنها را جلب کند.

استراتژی تبلیغاتی ما کاملا از افکارسنجی به دست آمده بود. یعنی در جزئی‌ترین موضوعاتی که ما موضع‌گیری می‌کردیم یا مدل رفتار تبلیغاتی را بروز می‌دادیم حتما قبلش افکار عمومی را سنجش می‌کردیم که چنین مطالبه و دغدغه‌ای دارند و بین این دو تا موضوع کدام را می‌بینند؛ تا ما این نظرسنجی را انجام نمی‌دادیم این رفتار تبلیغاتی را نمی‌کردیم.

بنابراین این استراتژی، استراتژی‌ای است که مبتنی بر افبال افکار عمومی بود. اینکه آیا ضعف دارد، خب طبیعتا هیچ برنامه تبلیغاتی‌ای نیست که ضعف نداشته باشد و حتما من هم اگر بخواهم راجع‌به آن قضاوت کنم می‌توانم بروم یک جزئیاتی پیدا کنم. در مورد این موضوع که اینجا می‌شد این کار را انجام داد و کمابیشه در مورد برنامه تبلیغاتی نامزد پیروز هم که ۲۴ میلیون رأی آورد، می‌شود بحث کرد، حتی نه در مورد بحث‌هایی که ما می‌گوییم دروغ است، بلکه درباره استراتژی تبلیغاتی هم می‌شود رفت و یک ضعف‌هایی را پیدا کرد. از اینکه بگذریم به صورت کلی که شما احتمالا منظورتان این است خیر، یعنی ما معتقدیم استراتژی مطلوبی بوده همان‌طوری که شما می‌گویید اگر این استراتژی ادامه پیدا می‌کرد حتما ما معتقدیم که در نتیجه انتخابات هم می‌توانست تاثیر بگذارد.

اما در جواب سؤال بعدی شما، این اتفاقی بود که ۲۴ اردیبهشت تصمیم‌گیری شد.

■ چرا؟ در نظرسنجی‌هایی که به عمل می‌آمد به نظر می‌آمد که آقای قالیباف روندش رو به رشد بود، رای‌های آقای رئیسی با شیب ملایم‌تری رشد داشت؛ چرا تصمیم گرفته شد که آقای قالیباف به‌نفع آقای رئیسی کنار برود؟ چرا عکس این اتفاق نیفتاد؟ چرا همیشه جریان اصولگرایی آقای قالیباف را دقیقه نود از حمایت خود کنار می‌گذارد.

منظورتان انتلاف۲۰۱۶ است و اینکه چرا بقیه کنار نرفتند. خب این دعواها همیشه وجود دارد و آدم‌ها با ارزیابی نظرسنجی‌ها و محاسباتی فکر می‌کنند که وضعیت خودشان مطلوب‌تر است. سال ۹۲ شاید چنین اتفاقی افتاد ولی در مورد این اتفاق چون من در سفرها که با ایشان بودم و جلسات مختلفی که تحلیل می‌شد، بحث نظرسنجی معیار داشتیم که نظرسنجی دانشگاه تهران بود. این نظرسنجی حتی ۵۷.۵ درصد آرای آقای روحانی هم وقتی سبد رایشان بررسی شد. در کنار آن، بحث‌هایی که آقای قالیباف مطرح کرده شامل کذب و دروغ است، شما می‌گویید استراتژی‌ای است احمدی‌نژادی است و قالیبش عوض شده است؛ درست می‌گویید. اما ما معتقدیم که این استراتژی را بخواهد قضاوت کند کل رویکرد تبلیغاتی است درمورد صحت و سقم حرف آقای قالیباف می‌کند؛ ۱) که آن فرد کی دروغ گفت. کی راست گفت و ۲) کی در واکنش گفت. کی به چه‌نحوی کنش عینی می‌کند.

■ این پاسخ شما برایم پذیرفته نیست. اما فرغ از این بحث اینا به‌عنوان یک اهل رسانه این بسیستمی که ایشان ادامه دادند در تبلیغات انتخاباتی موفق بود. بفهمند عوام‌شان ایشان قبول دارید و اگر بار دیگر بیایند همین سیستم را ادامه می‌دهید یا اینکه قبول دارید که این مدل به ایشان نمی‌آمد و شاید یک مدل بهتری را اگر اجرا می‌کردند شاید موفق‌تر بودند کمااینکه شاید اگر انصراف نمی‌داد و می‌ماند جای آقای عمده‌ای از آرای آقای قالیباف با وجود بیانیه و اعلامی که ایشان داشتند به سبد آقای روحانی رفت. به نظر من روزی که آقای قالیباف انصراف داد آقای روحانی خوشحال‌ترین فرد بود که می‌دید با این اوضاع زمینه بازی وجود دارد که می‌تواند راحت‌تر در فضای سیاسی صحبت شود.

■ یعنی در انصراف آقای قالیباف، نظر جامعه و جامعه روحانیت مبارز تاثیری نداشت؟ اینکه آنها از آقای رئیسی اعلام حمایت کردند. در تصمیم آقای قالیباف تاثیر داشت یا نه؟

خیر. جمنا که از اول این دو تا را اعلام کرده بود و از روز اول گفته بود که ما هیچ‌کدام را برتری نداریم و هیچ اجباری هم نکرده بودند که حتما...

**■ اما هفته آخر گفتند که ما ترجیح‌مان این است که آقای رئیسی بماند. چرا